نگاه

شفاف‌سازی مالی با خصوصی‌سازی باشگاه‌های دولتی

امیر عابدینی
مدیر اسبق باشگاه پرسپولیس

تقاضای برخی مربیان لیگ برتری برای انتشار رقم قراردادهای فوتبالیست‌ها، راه‌حلی منطقی برای شفاف‌سازی مالی در فوتبال نیست. در حال حاضر معضل فوتبال این نیست که یک باشگاه چقدر برای یک بازیکن هزینه می‌کند، این مسئله بین فوتبالیست و مدیر تیم محرمانه است. مشکل فوتبال را باید فراتر از این دید. فوتبال ایران برای رهایی از شایعات زیادی که درباره رقم قراردادها یا هزینه‌های چندده میلیاردی باشگاه‌های دولتی و صنعتی از بودجه عمومی کشور به گوش می‌رسد، نیاز به یک تغییر بزرگ دارد و خصوصی‌سازی نسخه شفابخشی است که می‌توان برای آن پیچید. در شرایطی مجلس چند ماهی است طرح تحقیق و تفحص از عملکرد مالی دو باشگاه استقلال و پرسپولیس را کلید زده که نمایندگان به جای چنین مباحثی ابتدا باید دولت را مخاطب قرار دهند که چرا توسط وزارت ورزش و وزارت صنعت در حال تیمداری است، به آنها بودجه تزریق می‌کند و مدیران آن توسط دولت تعیین می‌شوند. این مسئله‌ای است که فوتبال گرفتار آن است. الزام دولت به واگذاری باشگاه‌های فوتبال بهترین راه برای عبور از وضعیتی است که فوتبال از نظر مالی گرفتار آن شده و نگرانی‌هایی را به وجود آورده است. با حضور بخش خصوصی دیگر هزینه‌های جاری یک باشگاه چه برای بازیکنان و چه امور تیم مانند امروز حساسیت به وجود نمی‌آورد. این کار سبب می‌شود تا با کوتاهی دست دولت از فوتبال، بودجه عمومی کشور هم در این بخش هزینه نشود. بخش خصوصی نیز به طور قطع با توجه به هزینه کرد و درآمد در فوتبال سرمایه‌گذاری خواهد کرد و این به شفاف‌سازی مالی بیشتر در فوتبال کمک می‌کند.

حاشیه

سعید احمدیان

حاشیه‌نگاری بازی جمعه شب استقلال و تراکتور

شب سنگ و جنگ

ورزشگاه آزادی جمعه شب برای استقلالی‌ها و تراکتوری‌ها دو روی یک سکه بود. در شبی که شاگردان شفر با سه گل اولین پیروزی‌شان را در لیگ هجدهم جشن گرفتند، شاگردان جان توشاک اولین باخت‌شان را دشت کردند تا همچنان در حسرت برد باشند؛ تیمی که اسم‌های بزرگی در ترکیب دارد و گویا هنوز تا تبدیل شدن به یک تیم بزرگ هفته‌ها فاصله دارد.

در قامت یک مدعی

شفر سرانجام جمعه شب از زیر فشار خارج شد، آن هم با اولین پیروزی در لیگ که مقابل تراکتور به دست آمد. برخلاف دو بازی قبلی، آبی‌ها مقابل تراکتور فوتبال حساب شده و رو به جلویی را بازی کردند، به طوری که از همان دقایق اولیه بازی با برتری هافبک‌های آبی‌پوش در میانه زمین همراه بود تا فشار استقلال با گل به خودی مدافع تراکتور به نتیجه برسد و در ادامه هم تبریزی و اسماعیلی دو گل دیگر وارد دروازه فروزان کردند تا آبی‌ها در شبی که در یک چهره مدعی ظاهر شدند، بتوانند اولین سه امتیاز فصل جدید را به حساب خود واریز کنند.

زدن پنج گل در سه هفته نگرانی آبی‌ها از جالی خالی تیام را برطرف کرده تا جایی که این هفته‌ها کمتر هوادار استقلالی به یاد مهاجم نیجریه‌ای فصل گذشته تیمش می‌افتد، به خصوص که مرتضی تبریزی در اولین بازیش برای استقلال گل زد و روح‌الله باقری و فرشید اسماعیلی هم در اوج بودند. شفر امیدوار است الحاجی گرو، مهاجم نیجریه‌ای استقلال هم خیلی زود بتواند خودش را با فوتبال ایران وفق دهد تا خط حمله آبی‌ها که تا امروز با پنج گل زده پس از سپاهان شش گله دومین خط حمله برتر لیگ است، زهردارتر از این شود.

این شرایط خوب سبب شد تا شفر برای استقلال آرزوهای بزرگی در سر داشته باشد: «نمی‌توانم بگویم تیم خوبی نیستیم و دیوانه نیستم این حرف را بزنم. من همیشه به تیمم اعتماد به نفس می‌دهم و بازیکنان می‌دانند که به آنها اعتماد دارم. ما برای موفقیت می‌جنگیم. نمی‌خواهم بگویم قهرمان نمی‌شویم و اگر پنجم شویم به خانه می‌روم.» او همچنین وعده داد که استقلال هفته به هفته بهتر شود.

تیم پرستاره بی‌ستاره!

دو مساوی و یک باخت، دستپخت تراکتور تا پایان هفته سوم لیگ برتر بود، تیمی که پس از واگذاری به بخش خصوصی با هزینه‌ای ۱۰۰ میلیاردی در جذب بازیکن و آوردن مربی بزرگی مانند جان توشاک، یکی از پرستاره‌ترین تیم‌های لیگ هجدهم را بست، اما این تیم کهکشانی با کسب دو امتیاز از ۹ امتیاز ممکن در سه هفته گذشته از لیگ هنوز نتوانسته در حد یک مدعی ظاهر شود. البته سرمربی مشهور ولزی تراکتور معتقد است که تیمش بازیکن بزرگی ندارد: «منظور شما از تیم کهکشانی چیست، من امروز تیم کهکشانی در زمین ندیدم و تنها ستاره‌ای که دیدم در آسمان بود. منظور شما کدام بازیکن است، چه خودم و چه بازیکنان اسم بزرگی در تیم نمی‌بینیم.» توشاک می‌گوید سه هفته دیگر زمان می‌خواهد تا تیم مورد نظرش را به زمین بفرستد، فرصتی که باید دید هواداران تبریزی تا آن زمان صبر خواهند کرد یا نه!

دو روی سکه کاپیتان‌ها

بازی استقلال و تراکتور، رونمایی از کاپیتان‌های تیم ملی در لیگ هم بود؛ اشکان دژاگه و مسعود شجاعی اولین بازی‌شان را با پیراهن تراکتور انجام دادند، آن هم در شبی که هر دو نمایش کاملاً متفاوتی داشتند. شجاعی مانند چند سال اخیر با اصرار تک‌روی و حرکات فردی آنقدر در میانه زمین تراکتور ضعیف عمل کرد که در اوایل نیمه دوم جان توشاک مجبور شد او را تعویض کند. دژاگه اما همان بازیکن جنگنده تیم ملی بود، هرچند پایش به گلزنی باز نشد، اما جمعه شب خستگی‌ناپذیر نشان داد و از خط دفاع تا خط حمله حضور فعال داشت. با این حال توشاک پس از بازی معتقد بود که شجاعی و دژاگه با توجه به اینکه دیر به ترکیب این تیم اضافه شده‌اند، هنوز آن هماهنگی لازم را ندارند و نباید برای بازی دادن به دو کاپیتان تیمش عجله می‌کرد. او اعتراف کرد که بازی دادن آنها مقابل استقلال اشتباه بود.

مسابقه پرتاب سنگ روی سکوها

سکوهای ورزشگاه آزادی هم جمعه شب مانند اتفاقاتی که پنج‌شنبه گذشته در اهواز رخ داد پر از تنش و درگیری بود. البته شدت این درگیری به اندازه ورزشگاه غدیر نبود، اما زنگ خطر در فوتبال ایران را به صدا درآورد. در بازی استقلال و تراکتور که سنگ‌پراکنی از قبل از شروع بازی آغاز شده بود، از دقیقه ۱۵ و پس از گل استقلال در ضلع شمال‌غربی ورزشگاه به اوج رسید، به طوری که تماشاگران دو تیم در حالی که نیروی انتظامی نظاره‌گر بود تا دقایق پایانی مسابقه بدون توجه به جریان بازی با پرتاب سنگ و صندلی از خجالت هم درآمدند.

محمود حسینی | تسنیم

واکاوی حواشی واگرایانه و قومیتی هفته سوم لیگ برتر

سایه تفرقه بر سر اتحاد ملی!

گزارش
شیوا نوروزی

فوتبال است و یک دنیا حاشیه و اتفاق؛ وقتی شدت آن زیاد می‌شود و نوع آن تغییر می‌کند باید احساس خطر کرد. البته خیلی‌ها سال‌هاست که نسبت به اوج گرفتن حواشی فوتبال ایران احساس خطر کرده‌اند و به مسئولان هشدار داده‌اند، اما مشکل اینجاست که آقایان مسئول فقط حرف زده‌اند و شعار داده‌اند و نظاره‌گر حواشی و بی‌اخلاقی‌های رنگارنگ بوده‌اند. با بررسی اتفاقات دو هفته اخیر لیگ برتر فوتبال ایران باید اذعان داشت که شرایط و خیم‌تر از هر زمان دیگری شده و اگر هرچه زودتر تصمیمی عاجل برای آن گرفته نشود بدون تردید در هفته‌های آتی و حساس شدن رقابت‌ها و خامت اوضاع عیان‌تر از همیشه خواهد شد.

زد و خورد، درگیری و شعارهای تفرقه‌انگیز علاوه بر اینکه فوتبالمان را زیر سؤال می‌برد، این روزها وحدت ملی، انسجام ملی و تمامیت ارضی کشورمان را نیز به خطر انداخته، وقتی به تناوب پرچم کشورهای مختلف را در دست هواداران تیم‌های مختلف می‌بینیم باید احساس خطر کرد. فوتبال سال‌هاست که لقب حرفه‌ای به خود گرفته، اما در حقیقت تمام اجزای آن پر است از رفتارهای آماتوری، بچگانه و حتی غیرقانونی. در حالی دو بازی هفته سوم لیگ هجدهم به خشونت کشیده شد که شعارهای قومیتی و تفرقه‌انگیز واقعیت‌های تلخ زیادی را پیش رویمان قرار داد؛ واقعیت‌هایی که سال‌هاست فوتبالمان را احاطه کرده، اما هر بار به بهانه‌های مختلف روی آن سرپوش گذاشته‌اند.

زنگ خطر

فجایعی را که در ورزشگاه غدیر اهواز و آزادی تهران رقم خورد باید حاصل همان بی‌تفاوتی، ساده‌انگاری یا شاید هم مصلحت‌اندیشی‌های مخرب سال‌های اخیر دانست. بحث تماشاگران و فرهنگ‌سازی در ورزشگاه‌ها مربوط به امروز و دیروز نیست و سال‌هاست که آقایان مسئول در وزارت ورزش، فدراسیون فوتبال و مدیران باشگاه‌ها از چالش‌های روی سکوها خبر دارند و دست‌دست کردن‌های آنها کار را به اینجا رسانده است. شعارهای تند و زشت قومیتی در تهران، اهواز و البته شهرهای دیگر، بحرانی جدی برایمان ایجاد کرده، ضمن اینکه تکرار شعارهایی بر ضد تمامیت ارضی این بار در جنوب کشور رنگ خطری بزرگ محسوب می‌شود.

نقش اتحاد ملی

اتحاد ایرانی‌ها زبانزده تمام دنیاست؛ زبانزد همان‌هایی که چهار دهه است پروژه‌های مختلفی را برای از پای درآوردن کشورمان پیاده کرده‌اند و هر بار خفت و خواری نصیب‌شان شده است. وحدت ملی هموطنان اعم از کرد، لر، آذری، بلوچ، شمالی و جنوبی همواره مایه مباهاتمان بوده و با افتخار از آن یاد کرده‌ایم، اما مستطیل سبز که تا همین یک ماه پیش عاملی برای نشان دادن یکپارچگی‌مان بود حالا به ابزاری برای تفرقه‌انگیزی، نفرت‌پراکنی و زیر سؤال بردن تمامیت ارضی ایران تبدیل شده است!

سر دادن شعارهایی در جهت تحقیر قومیت‌های مختلف مدت‌هاست که به وفور در استادیوم‌های فوتبال و در شهرهای مختلف شنیده می‌شود و هر بار نیز کمیته انضباطی، میزبان یا به صورت نقدی یا در موارد شدیدتر محرومیت تماشاگران از حضور در ورزشگاه‌ها جریمه کرده است. حوادث خونین اخیر لیگ برتر یک‌بار دیگر ثابت کرد اوضاع بحرانی‌تر از این حرف‌هاست و حتی محرومیت‌های سنگین نیز تأثیری در کاهش این رفتارهای غیرفرهنگی نداشته و ندارد. بهتر است آقایان حواس‌شان باشد که شعارهای ضدایرانی در جهت به خطر انداختن تمامیت ارضی به سایر شهرها نیز کشیده شده است! تداوم این شعارها فقط به سود دشمنان و معاندانی تمام می‌شود که این روزها شش‌دانگ حواس‌شان را معطوف به ایران کرده‌اند تا از آب گل‌آلود ماهی‌های بزرگ صید کنند.

لیدرزدایی

با اینکه اهالی فوتبال همواره از نقش پررنگ لیدرها ناليده‌اند، اما هنوز که هنوز است بوقچی‌ها یا همان لیدرها با حمایت برخی‌ها عنان فوتبال را به دست گرفته‌اند و توانایی به آشوب کشیدن ورزشگاه‌ها و تخریب بازیکنان یا مربیان و حتی مدیران را دارند. پخش کلیپی توهین‌آمیز از یک لیدر شناخته شده در حوادث تلخ ورزشگاه غدیر اهواز تأثیر زیادی داشته تا جایی که بازیکنان پرسپولیس نیز به این مسئله اعتراض کرده‌اند. البته لیدر برکنار شده سرخپوشان اولین لیدر حاشیه‌ساز نبوده و سایر تیم‌ها نیز بارها از این بابت متضرر شده‌اند. اگر عزمی برای حل بحران‌های خودساخته پیرامون فوتبال وجود داشته باشد، بدون شک باید پروژه لیدرزدایی را در اولویت آن قرار داد.

لطفاً جدی بگیرید

فوتبال پرطرفدارترین ورزش ایران است و قشرهای مختلف جامعه، نتایج و اتفاقات آن را پیگیری می‌کنند. به همین دلیل است که انتظار می‌رود در شرایط کنونی مسئولان این رشته به خود بیایند و هوشیارانه اتفاقات ریز و درشت و حواشی مختلف فوتبال را رصد کنند. همانطور که اشتباهات داوری، تمدید قرارداد سرمربی تیم ملی، حضور موفق در جام جهانی و جام ملت‌ها و هزار و یک موضوع دیگر اهمیت زیادی برای فوتبال ما دارد، حواشی نگران‌کننده، تأسف‌بار و دشمن‌شادکن اخیر نیز اهمیت‌های خاص خود را دارد. آقایان مسئول برای یک‌بار هم که شده قضیه را تا قبل از اینکه خیلی دیر شود، جدی بگیرید. سر دادن شعارهای سیاسی، قومیتی و ضدایرانی آب در آسیاب دشمن ریختن و سوژه‌سازی برای شبکه‌های معاند است.

خادم کار می‌کند، پس مجرم است!

چهره
فریدون حسن

رسول خادم، مرد پرافتخار کشتی ایران و رئیس فدراسیون تنهای این روزهای ورزش کشور است. تنها از این بابت که فریادهایش را کسی نمی‌شنود، هرچند که جامعه کشتی یکپارچه و متحد پشت این رئیس پرکار و فداکار ایستاده، اما رسول دل پرغصه‌ای از مسئولان ورزش کشور دارد، مسئولانی که سرنوشت کشتی به عنوان ورزش اول ایران هیچ اهمیتی برایشان ندارد. خادم حق دارد که عنوان کند «هیچ جرمی بالاتر از کار کردن نیست»، چون این روزها تقریباً تمام آقایان پشت میز نشسته ورزش که متأسفانه امر تصمیم‌گیری ورزش کشور نیز در اختیار آنهاست، منتظر هستند تا مانع شوند، منتظر هستند ایراد بگیرند و بهانه‌تراشی کنند، اما نقطه امیدواری اینجاست که مردان کشتی متحدند و تاکنون پشت رئیس فدراسیون‌شان را خالی نکرده‌اند که اگر جز این بود، کشتی صد باره کله‌پا شده بود. با این حال خادم نگران است؛ نگران آینده، آینده‌ای که رقبا از همین حالا با هزار و یک نقشه و ترفند در پی حذف نام ایران از آن هستند؛ یعنی کشتی دنیا بدون ایران، بهانه را هم کمیته بین‌المللی المپیک به دست‌شان داده است. اینجا اما حرف‌ها و مطالبات خادم و بچه‌های کشتی طور دیگری تفسیر می‌شود، حمایتی نیست تا خادم به راحتی کرسی بین‌المللی خود را ترک کند و بقیه رقبا حریصانه آن را چنگ بزنند. کشتی آبروی ورزش ایران است، امید اول این روزهای ورزش در جاکارتای اندونزی، اما آینده آن بدون حمایت، حتی با وجود دلسوزانی چون خادم، آینده‌ای مبهم و مه‌آلود است.

تکواندو در انتظار ۲۹ مرداد

بازی‌های آسیایی

آسمان تکواندوی ایران آفتابی نیست. از زمان پایان بازی‌های آسیایی اینچئون تاکنون هرچند موفقیت‌های خوبی کسب کرده‌ایم، اما هرچه به المپیک نزدیک شدیم و هرچه از آن فاصله گرفتیم، اوضاع تکواندو رو به وخامت گذشت تا آنجا که خیلی از امیدهای این رشته که قرار بود برایمان مدت‌ها مدال‌آور باشند، این روزها فقط می‌بازند و حذف می‌شوند. می‌گفتند عاشورزاده، سونامی تکواندوی جهان است. جوان بلندبالای تکواندوی ایران در واقع سونامی هم بود، وقتی طلای بازی‌های آسیایی را به گردن آویخت و در مسابقات جهانی کولاک کرد، اما این سونامی خیلی زودتر از آنچه تصورش را می‌کردیم، آرام گرفت. او حالا و در آستانه بازی‌های جاکارتا دوباره از آمادگی‌اش حرف می‌زند و از درخشش مدال طلای آسیا بر گردنش در روز ۲۹ مرداد ماه خبر می‌دهد: «تمام تلاشم را می‌کنم، هرچند که امکان پیش‌بینی وجود ندارد. درست است که زمان زیادی از مدال گرفتنم می‌گذرد، اما رونالدو هم سه سال برای کسب عنوان بهترین بازیکن جهان پشت سر مسی ماند. ورزش حرفه‌ای بالا و پایین دارد، من اکنون در بهترین شرایط هستم و امیدوارم با حفظ این شرایط در روز ۲۹ مرداد پیام‌آور شادی برای مردم کشورم باشم. می‌خواهم با طلای بازی‌های آسیایی جاکارتا به کابوس این دو سال پایان دهم.»

وزارت ورزش قانون بازنشستگان را اجرا می‌کند

بازتاب
حامد قهرمانی

بازنشسته‌ها و دل نکندن آنها از پست‌های مدیریتی ورزش یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های این روزهای ورزش است، دغدغه‌ای که البته با تصویب قانون منع به کارگیری آن از سوی مجلس، حالا فقط در انتظار تأیید شورای نگهبان است و به نظر می‌رسد بعد از مدت‌ها باید شاهد رفتن تفکر پیر و مدیران فرسوده از ورزش باشیم و انتظار داشته باشیم تا مدیران جوان و کوشا جای آنها را بگیرند.

محمدرضا داورزنی، معاون ورزش قهرمانی وزیر ورزش در این خصوص به ایسنا گفت: «همه ما ملزم به تمکین در برابر قانون هستیم و امکان ندارد قانون اجرا نشود. این الزام نیست که هر کسی تجربه و سن و سال دارد، رئیس باشد. در حال حاضر شرایط به گونه‌ای است که جوانان انتظار دارند پس از سال‌ها پشت خط ماندن این فرصت به آنها داده شود که مدیریت کنند و مسئولیت‌ها را در اختیار بگیرند.»

داورزنی در ادامه به تعداد مدیران بازنشسته ورزش اشاره کرد و افزود: «ما از ۵۱ رئیس فدراسیون‌های ورزشی، حدود ۱۰ تا ۱۲ رئیس داریم که با استفاده از تبصره ایثارگری و به‌رغم بازنشستگی مشغول به فعالیتید و اتفاقاً جزو مدیران موفق هم هستند، اما اگر قانون ابلاغ شود، تمام کسانی که مشمول آن هستند باید جای خود را به جوانان بدهند.» البته ورزشی‌ها به قول داورزنی، راه‌های فراری مثل حضور در هیئت رئیسه فدراسیون‌های ورزشی نیز برای خود باز گذاشته‌اند: «تواب رئیس و اعضای هیئت رئیسه عناوینی هستند که شغل تلقی نمی‌شوند و این افراد حقوق‌بگیر فدراسیون‌ها نیستند. بنابراین قانون جدید شامل حال آنها نمی‌شود. ما در وزارت ورزش در قبال تمام افرادی که مشمول این قانون می‌شوند، آن را اجرایی می‌کنیم، فرقی هم نمی‌کند که چه پستی داشته باشند. تمام کسانی که بازنشسته هستند و از امتیاز ایثارگری استفاده می‌کنند، طبیعی است که باید از این قانون تبعیت کنند و کنار بروند.»

یادداشت

دنیا حیدری

این قرارداد کی امضا می‌شود آقای تاج؟

کمتر از ۲۰ روز تا آغاز نخستین اردوی تیم ملی برای حضور در جام ملت‌های آسیا زمان باقی است و هنوز جای امضا کرش پای قرارداد او با فدراسیون خالی است و ابهامات این قرارداد نیز به قوت خود باقی است!

با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح در خصوص بازیکنان سرباز تصور می‌شد مشکل عقد قرارداد با مرد پرتغالی حل شود. در واقع این همان چیزی بود که فدراسیون فوتبال جا انداخته بود. گفته می‌شد یکی از شروط اصلی کرش برای تمدید قراردادی که تاج بعد از بازگشت از روسیه گفته بود امضا شده، حل مشکل بازیکنان سرباز بود، مشکلی که البته هرگز سنگی مقابل پای تیم ملی در سفرهای برون‌مرزی نبود، اما به نظر می‌رسد به شکلی دیگر برای سرمربی تیم ملی تفسیر شده که کرش بعد از هفت سال کار کردن در ایران، این مسئله را شرط ادامه همکاری با فوتبال ایران قرار داده، شرطی که با اجابت آن، دیگر دلیلی برای عدم امضای قرارداد باقی نمی‌ماند. با این حال به‌رغم تمام همکاری‌های سازمان نظام وظیفه و امتیازاتی که برای فوتبالی‌ها قائل شده، ابهامات قرارداد کرش و ادامه همکاری او با فوتبال ایران همچنان به قوت خود باقی است.

با وجود همکاری‌های همه‌جانبه سازمان نظام وظیفه، این روزها خبری از تاج نیست. او که تا پیش از این، بارها با مصاحبه‌های خود اینطور نشان داده بود که مسئله بازیکنان سرباز تیم ملی دلیل اصلی عدم امضای قرارداد با کرش است، بعد از همه راه آمدن‌های این سازمان، سکوت اختیار کرده و کوچک‌ترین توضیحی در خصوص وضعیت کرش و تیم ملی نمی‌دهد تا ابهامات زیادی به وجود آید!

سکوت فدراسیون، آن هم در اندک زمان باقی مانده تا نخستین اردوی تدارکاتی تیم ملی، این تصور را ایجاد می‌کند که مشکل کرش هیچ ارتباطی به بازیکنان سرباز تیم ملی نداشته و مسئله از جایی دیگر آب می‌خورده و شاید تاج ترجیح داده با مسکوت گذاشتن آن و پیش کشیدن داستان سربازها، افکار عمومی را منحرف کند و توپ را به زمین سرمربی تیم ملی و سازمان نظام وظیفه بیندازد، شاید چون تصورش را هم نمی‌کرد که سازمان نظام وظیفه تا این اندازه با تیم ملی راه بیاید و شرایط را برای بازیکنان سرباز هموار کند. قوانین جدید اما دیگر جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که سازمان نظام وظیفه از همان ابتدا هم کوچک‌ترین سنگی مقابل پای تیم ملی نبود. حالا تاج به عنوان رئیس فدراسیونی که تا پیش از این داستان سربازها را در بوق و کرنا کرده بود باید پاسخی شفاف به این مسئله مبهم بدهد که چرا قرارداد کرش امضا نمی‌شود؟ تاج باید پاسخ دهد که آیا شرط کرش به راستی مسئله سربازها بوده یا فدراسیون با تصور اینکه این مسئله هرگز با مماشات سازمان نظام وظیفه مواجه نخواهد شد، این داستان را پیش کشیده و امروز بعد از حل ریشه‌ای این مسئله، سکوت اختیار کرده و کلامی به زبان نمی‌آورد. سکوتی که او را بیش از پیش در مظان اتهام قرار می‌دهد و این تصور را ایجاد می‌کند که تاج با پنهان کردن اصل ماجرا، در پی عوام‌فریبی بوده که اگر غیر از این بود، با حل مسئله بازیکنان سرباز، قرارداد کرش بدون امضا نمی‌ماند!

البته این تنها گوشه‌ای از سؤالات بی‌پاسخ و مبهمی است که تاج در مقابل آن سکوت کرده است. رئیس فدراسیون علاوه بر این باید در خصوص هزینه‌هایی که گفته می‌شود برای آماده‌سازی تیم ملی برآورد شده نیز توضیحی شفاف و قانع‌کننده داشته باشد، هزینه گزافی که مشخص نیست برای اردو و در کدام کمپ مطرح دنیا و بازی با کدام تیم‌های نامی در نظر گرفته شده که رقم آن تا این اندازه بالاست. این رقم در حالی مطرح شده که بحران اقتصادی گریبان مردم را گرفته و باعث لغو اردوهای خارجی بسیاری از تیم‌های ملی دیگر رشته‌ها شده است!

فارغ

فوتبال و هندبال به جاکارتا رسیدند

نخستین تیم‌های اعزامی ایران وارد جاکارتا شدند. در فاصله یک هفته تا افتتاح رسمی بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ تیم‌های ملی فوتبال و هندبال کشورمان جمعه به عنوان نخستین تیم‌های کاروان ورزشی ایران وارد جاکارتا، محل برگزاری هجدهمین دوره بازی‌های آسیایی شدند. با توجه به اینکه مسابقات رشته‌های تیمی قبل از افتتاحیه آغاز می‌شود، تیم‌های ملی فوتبال و هندبال ایران زودتر از دیگر تیم‌های کاروان کشورمان راهی اندونزی شدند تا خود را برای شروع این رقابت‌ها آماده کنند. فوتبالی‌ها که چهارشنبه ۲۴مرداد در نخستین دیدار خود به مصاف عربستان می‌روند، مستقیماً از اردوی شانگهای چین راهی اندونزی شدند و تیم ملی هندبال نیز بعد از اردو و دیدار تدارکاتی در مالزی، راهی جاکارتا شد تا خود را آماده حضور در این رقابت‌ها کند.

فوتبال جهان

برای رئیس فدراسیون آرژانتین متأسفم

نمایش ناامیدکننده در جام جهانی و شکست برابر فرانسه در یک‌هشتم نهایی، سرانجام به اخراج خورخه سامپائولی ختم شد تا کلودیو تاپیا، رئیس فدراسیون آرژانتین به دنبال گزینه‌ای جدید برای نیمکت آلبی‌سلسته باشد، اما خیلی زود تاپیا مدعی شد که برای استخدام کسی مثل پپ، یک کیف پر پول لازم است، چراکه خواسته‌های این مربی زیاد است و اگر او، فدراسیون فوتبال آرژانتین را هم گرو بگذارد، توان پرداخت دستمزد گواردیولا را ندارد. ادعایی که البته پپ خیلی زود آن را تکذیب کرد: «برای رئیس فدراسیون آرژنتین متأسفم، چراکه دستمزد من خیلی بالا و شگفت‌انگیز نیست. از آینده خبر ندارم، اما الان کسی نمی‌تواند با من مذاکره کند، چون با منچستر سیتی قرارداد دارم و از طرفی فکر می‌کنم که سرمربی آرژانتین باید اهل این کشور باشد، چراکه آنها مربیان خوب و باکیفیتی دارند.»

شروع پیروزمندانه شیاطین

استارت فصل جدید رقابت‌های لیگ برتر انگلیس جمعه شب با شروع پیروزمندانه شیاطین سرخ در اولدترافورد زده شد. یونایتد در حالی سه امتیاز بازی نخست را در یک بازی زیبا و جذاب خانگی به دست آورد و لسترسیتی را با دست خالی بدرقه کرد که مورینیو در هفته‌های اخیر نارضایتی‌های بسیاری از خود نشان داده بود. از نبود بازیکنان اصلی گرفته تا شرایط جذب بازیکنانی که گفته می‌شد به دلیل اختلافات او با باشگاه به جمع یونایتدها اضافه نشدند، اما در نهایت یاران مورینیو موفق شدند در خانه با گل‌های پوگبا و شاو ۲ بر یک حریف خود را مغلوب کنند و آغاز خوبی داشته باشند.